



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۱) فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا

مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (۱۰۲) ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا

عَلَيْنَا نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)﴾

بعد از دعوت به نظریه پردازی در آسمان و زمین و روشن شدن جریان توحید فرمود يك عده دارای قلب بصیر

هستند متنبه اند مؤمن می شوند که بخشان گذشت عده ای نه مسائل عقلی در آنها اثر می گذارد نه معارف نقلی نه

تامل در آیات تکوین آنها را بیدار می کند نه انذار و هشدار و رهبران الهی از راه نقل اینها کسانى اند که در

قیامت ناچارند چنین حرفی را بزنند که ﴿لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في اصحاب السعير﴾<sup>۱</sup> که این به نحو منفصله

مانعه الخلو است که جمع را شاید گفته اند اگر ما اهل عقل بودیم یا اهل نقل بودیم بالأخره اهل جهنم نمی شدیم ما یا

باید خودمان درك می کردیم عاقل بودیم یا باید از راه نقل متنبه می شدیم نه چون گوش شنوا داشتیم و نه چون

قلب بینا و بیدار به جهنم افتادیم ﴿لو كنا نسمع او نعقل﴾<sup>۲</sup> که عقل در مقابل سمع است نه در مقابل شرع اگر ما از

راه نقل متنبه می شدیم یا از راه عقل آگاه می شدیم اهل جهنم نبودیم در این بخش از آیات می فرماید نه ادله عقلی

۱ - سورة ملك، آیه ۱۰

۲ - سورة ملك، آیه ۱۰

برای آنها سودمند است نه ادله نقلی نه آیات الاهی که برهان را به همراه دارد برای اینها نافع است نه انذار انبیا که دلیل نقلی است پس هم از این سو ذات اقدس اله می‌فرماید ﴿وَمَا تَغْنِي آيَاتُ وَاللَّهِ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ قومی که فرهنگ آنها لجاجت است این فعل مضارع هم است یعنی شما هر چه ادله اقامه بکنید اینها ایمان بیاور نیستند در بحث دیروز هم اشاره شد که ﴿عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ غیر از «عَنْ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» است اصلاً يك قومی هستند که فرهنگشان این است نمی‌خواهند بپذیرند پس آیه بیانش این است که ادله عقلی و شواهد نقلی برای يك عده‌ای که فرهنگشان لجاج و عناد است سودمند نیست در قیامت هم همین‌ها اعتراف می‌کنند که ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾<sup>۱</sup> ما اگر اهل عقل بودیم یا اهل نقل بودیم بالأخره به جهنم نمی‌رفتیم.

حالا بحث در این است که در قیامت حساب روشن است که ﴿لَا ظَلَمَ الْيَوْمَ﴾<sup>۲</sup> و هر کسی گرفتار اعمال خودش خواهد شد اما آیا دنیا حساب و کتابی هم در آن هست ولو موقت یا در دنیا هیچ حساب و کتابی نیست فقط به قیامت موکول می‌شوداند فرمود این چنین نیست دنیا حساب و کتاب منظمی دارد دنیا نظیر يك بوستانی است که بالأخره يك باغبانی دارد ﴿وَاللَّهُ انبِتْكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾ این باغبان این بوستان را به خوبی اداره می‌کند منتها در بهشت همه‌اش شجره طوبا و طیب است که اصلاً جا برای علف هرز نیست در دنیا برای آزمون چاره‌ای جز علف هرز نیست علف هرز حتمی است اما این چنین نیست که باغبان غافل باشد یا نداند یا نتواند این علفهای هرز را جمع بندی کند بالأخره موقع درو که می‌شود پاییز که می‌شود برای اینکه این میوه‌ها و این درختها را به ثمر برسانند چند بار بررسی کند و علفهای هرز را برچیند کارگرائش و مدبرانش را به کار می‌گیرد این ﴿وَاللَّهُ انبِتْكُمْ

۱ - سورة ملك، آیه ۱۰

۲ - سورة غافر، آیه ۱۷

من الارض نباتا<sup>۱</sup> نشانه آن است که دنیا هم يك بوستان خوبی است درختان خوبی دارد میوه هم می دهد و اگر علفهای هرزی باشد اینها را وجین می کنند این طور نیست که همه اینها سر هم باشند بعد در قیامت بررسی کنند فرمود ﴿فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ جریان قیامت حسابش جداست که آن پاداش و کیفر نهایی است اما دنیا هم يك باغ منظمی است این چنین نیست که الی یوم القیامه علف هرز بتواند دوام پیدا کند در هر دوره ای و عصری علف هرز هست اما این چنین نیست که علف هرز اصل باشد یا مثل درختهای بارآور ریشه ممتد و متصل داشته باشد به تعبیر سیدنا الاستاد رضوان الله تعالی علیه ایشان می فرمودند انسان روزها بیدار است شبها خواب است این خوابها از هم گسیخته اند و گسسته اند چیزهایی که انسان در عالم رؤیا می بیند یا اضغاثِ احلام است یا چیزی هم نمی بیند بالأخره اما بیداریهای او به هم مرتبط اند یعنی آن چیزی را که در روزها یاد می گیرد کاملاً منسجم است می گوید ده سال قبل این را یاد گرفتم نه سال قبل این را یاد گرفتم امسال این را یاد گرفتم اینها همه جمع بندی می شود و نتیجه می دهد اما خوابها پراکنده اند ظلمها، ستمها، معصیتها، تبهکاریها، تبهکاران اینها مثل ظلمت شب اند اینها از هم گسیخته اند آنهایی که به هم مرتبط اند انبیایند اولیایند، مومنانند، مردان صالح و فاتح اند هستند که در این زمنیه می فرماید ﴿لَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾<sup>۲</sup> اینها به هم مرتبط اند اینها کثری هستند متواترند ﴿وَأَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا﴾<sup>۳</sup> اما آن بیگانگان ﴿كَلِمًا أَوْ قَدْوًا نَارًا اِطْفَأُهَا اللَّهُ﴾<sup>۴</sup> هر وقتی اینها می خواهند آتشی روشن کنند علیه اسلام و مسلمانها ما خاموش می کنیم بنابراین يك علف هرز پراکنده مقطعی فرض دارد که

۱ - سورة نوح، آیه ۱۷

۲ - سورة قصص، آیه ۵۱

۳ - سورة مومنون ۴۴ آیه

۴ - سورة مائده، آیه ۶۴

اینها برای هر عصری هستند اینها را وجین می‌کنند يك شجره طوبایی است که برای همیشه ثابت است فرمود این چنین نیست که ما به اینها مهلت بدهیم هر کاری می‌خواهند بکنند بکنند اینها را دعوت کردیم با آیات با ادله عقلی اینها را دعوت کردیم با اندازهای نقلی هیچ اثر نکرد اینها منتظر عذاب باشند ﴿فهل ينتظرون الا مثل ايام الذين خلوا من قبلهم﴾ گرچه سراسر جهان هر روز روز خداست اصلاً شب در عالم نیست برای اینکه هر لحظه هر موجودی از ذات اقدس الهه مطلبی درخواست می‌کند ﴿يسئله من في السموات و الارض﴾<sup>۱</sup> از آن طرف هم ﴿كل يوم هو في شأن﴾<sup>۲</sup> این يك آیه صدر و ذیلش مربوط به سؤال عمومی و پاسخ عمومی است چرا ﴿كل يوم هو في شأن﴾<sup>۳</sup> یوم نه یعنی شب و روز، یوم نه یعنی روز در مقابل شب یوم یعنی هر ظهور در هر ظهوری خدا کار تازه‌ای دارد چرا؟ چون در هر لحظه‌ای يك سؤال جدیدی است این ﴿يسئله من في السموات و من في الارض﴾ این طور نیست که هر موجودی شب و روز يك سؤال داشته باشد هر موجودی هر لحظه سائل است چه کسی باید پاسخش را بدهد؟ آن که ﴿كل يوم هو في شأن﴾<sup>۴</sup> است پس این يك آیه است دو آیه که نیست صدرش سؤال عمومی است ذیلش پاسخ عمومی یا صدرش پاسخ عمومی است و ذیلش سؤال عمومی است ﴿يسئله من في السموات و من في الارض﴾<sup>۵</sup> چه کار بکند او ﴿كل يوم هو في شأن﴾<sup>۶</sup> یعنی هر لحظه جواب می‌دهد یحیی من في السموات و الارض

۱ - سورة الرحمن، آیه ۲۹

۲ - سورة الرحمن، آیه ۲۹

۳ - سورة الرحمن، آیه ۲۹

۴ - سورة الرحمن، آیه ۲۹

۵ - سورة الرحمن، آیه ۲۹

۶ - سورة الرحمن، آیه ۲۹

را اینها همیشه ایام الله است لکن آن قدرتهایی که ظهور می‌کند از آنها به عنوان ایام خدا و فرصتهای تاریخی نام آور یاد می‌کنند این يك مطلب.

مطلب دیگر آن است که هر چه که در عالم اتفاق می‌افتد جزء ظهورات الاهی است برای اینکه مدیر کل رب العالمین اوست ولی بعضی از حوادث حادثه‌ای است که به حسب ظاهر جنگ بین حق و باطل و انبیا و کفار و اینها مطرح نیست يك حادثه و رخداد طبیعی است حالا منشاش چیست باید بررسی کرد يك وقتی يك آتشفشانی است يك عده می‌میرند يك سیل است يك زلزله است يك طاعون است يك وباست يك عده‌ای رخت برمی‌بندند که اینها را تاریخ ثبت می‌کند این می‌شود تاریخ فلان قوم اما يك وقتی يك سری جنگی است يك نبرد حق و باطلی است انبیا يك طرف و کفار يك طرف این يك سکه دو روست هم ایام شکست خورده‌هاست هم ایام پیروزمندها آن ایام شکست خورده‌ها را می‌گویند ﴿ایام الذین خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ یا ﴿مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ ایامی که مربوط به فتح و ظفر و پیروزی است می‌گویند ایام الله این ﴿وَذَكَرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾ این است در جریان آل فرعون این‌طور است جریان آل غرود این‌طور است جریان عاد و ثمود این‌طور است آنهایی که ﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةِ أَيَّامٍ﴾<sup>۲</sup> يك سمتش مومنانند يك سمتش کافرانند آنجا که ظهور حق و قدرت حق اهل حق را پیروز کرده است می‌شود ایام الله آنجا که ظهور حق و قدرت حق باطل‌گراها را از بین برد ﴿فَأَخَذْنَاهُمْ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ﴾<sup>۳</sup> فرمود اینها را جمع کردیم ریختیم در دریا می‌شود ﴿ایام الذین خلوا مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ اگر تهدید است ﴿ایام الذین خلوا مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ است اگر وعده و نوید است ایام الله است این‌جا چون مساقش مساق تهدید است فرمود ﴿فَهَلْ

۱ - سورة ابراهيم، آیه ۵

۲ - سورة حاقه، آیه ۷

۳ - سورة قصص، آیه ۴۰

ينتظرون الا مثل ايام الذين خلوا من قبلهم ﴿ در مواردی که ذات اقدس اله به پیامبری از انبیا الهی (علیهم السلام) دستور می دهد که قوم خود را به استقامت و پایداری فرا بخوان آنها را به وعده الهی امیدوار بکند آنجا سخن از ایام الله است در سوره مبارکه ابراهیم آیه پنج این چنین است که ﴿و لقد ارسلنا موسی بایاتنا ان اخرج قومك من الظلمات الى النور و ذکرهم بایام الله﴾<sup>۱</sup> گرچه در ذیل این گونه آیات روایاتی است که ایام الله مثلاً سه قسم است روز رجعت است روز ظهور حضرت حجت (سلام الله علیه) است قیامت است و امثال ذلك ولی مستحضرید که غالب این نصوص در صدد تمثیل است و نه تعیین یعنی معین نمی کند لسانش حصر نیست که ایام الله همین هاست و لا غیر منتها روزهای بارز الهی بله روز ظهور حضرت حجت (سلام الله علیه) است روز قیامت است و مانند آن اما هر وقتی که بالأخره حق بر باطل به عنایت الهی پیروز شد ایام الله است آن جریانی که ﴿فغشیهم من الیم ما غشیهم﴾<sup>۲</sup> ایام الله است آن جریانی که ﴿سخرها علیهم سبع لیل و ثمانية ايام﴾<sup>۳</sup> ایام الله است آن جریانی که یا ﴿أرض ابلعی ماءك و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الأمر و استوت علی الجودی﴾<sup>۴</sup> ایام الله است آن جریانی که به نوح (سلام الله علیه) فرمود که نازل بشوید روی کوه جودی بگوید کوه ﴿بسلام منا و برکات علیک﴾<sup>۵</sup> جزء ایام الله است هر حادثه مهمی که حق و باطل درگیر شدند و با قدرت غیبی ذات اقدس اله انبیا و اولیا و مؤمنان فاتح شدند جزء ایام الله است منتها مصداق کاملش برابر آن حدیث جریان ظهور حضرت حجّت (سلام الله علیه) و مانند آن است پس آن روایات لسانش تعیین نیست یعنی حصر نیست

۱ - سوره ابراهیم، آیه ۵

۲ - سوره طه، آیه ۷۸

۳ - سوره حاقه، آیه ۷

۴ - سوره هود، آیه ۴۴

۵ - سوره هود، آیه ۴۸

لسان تمثیل است یعنی مثال زدن است نمودار بیان کردن است چه اینکه وجود مبارك موسى (سلام الله علیه) مأمور شده است که پیروانش را به ایام خدا متذکر کند تا اینها متنبه بشوند که وقتی قدرت خدا و نصرت خدا ظهور می‌کند و اینها فاتح و پیروز می‌شوند بنابراین آن صیغه تهدید می‌شود ﴿ایام الذین خلوا من قبلهم﴾ آن صیغه وعده می‌شود جزء ایام الله در سوره مبارکه سبا مشابه این آمده است منتها حالا عنوان ایام الله و اینها در آن مطرح نشده در سوره مبارکه سبا به وجود مبارك رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید اینها که جزء صنادید قریش‌اند سرمایه‌داران قریش‌اند مستکبران قریش هستند و در برابر تو سخت موضع‌گیری کردند اینها به چه چیزی می‌نازند خب بالأخره اینها تاریخ گذشتگان‌شان را ببینند عده‌ای هم روی همین کره زمین زندگی می‌کردند از اینها چیزدارتر بودند متمکن‌تر بودند قدرتمندتر بودند که این سرمایه‌داران و صنادید قریش ﴿و ما بلغوا معشار ما آتی‌ناهم﴾<sup>۱</sup> اینها يك دهم قدرت آنها را نداشتند ما آنها را خاك کردیم اینها چه می‌گویند خب بالأخره تاریخ آنها را بخوانند فرمود در آیه ۴۵ سوره سبا ﴿و کذب الذین من قبلهم و ما بلغوا معشار ما آتی‌ناهم﴾<sup>۲</sup> اینها این کفار مکه چه می‌گویند؟ مگر عاد و ثمود را ندیدند مگر آنها که امکاناتشان طوری بود که ﴿لم یخلق مثلها فی البلاد﴾<sup>۳</sup> قصرهایی داشتند که در زمین نمونه نداشت ما بساط همه را جمع کردیم اینها که يك دهم قدرت آنها را ندارد بالأخره جهان سرمایه‌دار زیاد دیده است قارون‌ها زیاد دیده است در همان جریان قارون بحثهایش قبلا اشاره شد که ذات اقدس اله می‌فرماید ﴿ما ان مفاتحه لتنوء بالعصبة﴾<sup>۴</sup> حالا یا مخزنهای آن یا کلیدهای مخازن یا

۱ - سوره سبا، آیه ۴۵

۲ - سوره سبا، آیه ۴۵

۳ - سوره فجر، آیه ۸

۴ - سوره قصص، آیه ۷۶

مِفْتَحَهای آن یا مَفْتَحَهای آن را يك گروه نیرومندی باید حمل می کردند حالا بفرمایید مخزن بعد درباره قارون می فرماید قبل از قارون کسانی بودند که ﴿مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ جَمْعاً﴾<sup>۱</sup> از او سرمایه دارتر هم در دنیا به خاك افتادند فرمود آخر اینها به چه چیزی می نازند در برابر کدام قدرت دارند مقاومت می کنند ﴿وَمَا بَلَّغُوا مَعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ﴾<sup>۲</sup> این یا دلیل بر حذف یا است خب ما وقتی خشم کردیم آنها از بین رفتند این می شود ﴿إَيَّامَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ همین صحنه جزء ایام الله است یعنی وقتی سخن از وعده مطرح است و تبشیر مؤمنان می شود ایام الله وقتی از وعید و تهدید و انذار تبهکاران مطرح است می شود ﴿إَيَّامَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ در این بخش فرمود این يك اصل کلی است نه اینکه ما این کار را کردیم ما این کار را همیشه می کنیم ما از همان ازل بر خودمان تثبیت کردیم این ﴿وَقَدْ كَتَبْنَا رُبَّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾<sup>۳</sup> نه یعنی علی ذاته اسمی از اسمای برتر بر اسمی در اسمای دیگر حکومت می کند اگر «سبقت رحمته غضبه»<sup>۴</sup> این جزء رحمتهای خاص الاهی است که بالأخره حق را پیروز کند این طور نیست که حقی باشد و باطلی باشد در همان مثال معروف که ﴿فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً﴾<sup>۵</sup> جفاء یعنی آب برد یعنی حالا دیگر ما بساطی پهن کنیم سرباز کشی و نیرو کشی و اعزام نیرو بکنیم این طور نیست در همین فراز و نشیب این سیل خود این کفها هم از بین می روند خود آب اینها را از بین می برد این آب بردها را می گویند جفاء ﴿فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً﴾<sup>۶</sup> این برای آن، این علفهای هرز را هم فرمود

۱ - سورة قصص، آیه ۷۸

۲ - سورة سباء، آیه ۴۵

۳ - سورة انعام، آیه ۵۴

۴ - مفاتیح الجنان، ص ۸۴

۵ - سورة رعد، آیه ۱۷

۶ - سورة رعد، آیه ۱۷



ما اینها را می‌ریزیم در دریا و این نه اینکه این کار را کردیم این کار را بعداً هم می‌کنیم این کار سنت ماست ما خودمان تثبیت کردیم عالم با این نقشه خلق شده است اینکه فرمود ﴿وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup> این بیان سیره الاهی است یعنی سنت ما این است که ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنْتَ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنْتَ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾<sup>۲</sup> در سوره مبارکه روم از این شفاف‌تر به عنوان اصل کلی ارائه کرده است فرمود اصلاً تثبیت شده است بر ما که ما مومنان را یاری کنیم ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۳</sup> کمک کردن مؤمنان بر ما به عنوان يك اصل لازم است این‌طور نیست که گاهی کمک بکنیم گاهی کمک نکنیم بلکه همواره ما مومنان را کمک خواهیم کرد و هرگز آنها را رها نمی‌کنیم. سوره مبارکه روم آیه ۴۷ فرمود ﴿وَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا﴾<sup>۴</sup> نه این يك قضیه فی واقعه باشد بلکه ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا﴾<sup>۵</sup> یعنی ثابتاً علينا ﴿نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۶</sup> این اصل است این ﴿كُتِبَ اللَّهُ لَاغْلِبَنَّا إِنْ أَرْسَلْنَا﴾<sup>۷</sup> به عنوان اصل است ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۸</sup> اصل است ﴿وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۹</sup> اصل است اینها می‌شود جزء سنتهای الاهی.

مطلب دیگر آن است که همان‌طوری که صبح دو قسم است صبح صادق و صبح کاذب و تشخیص آن به عهده منجم است عطش دو قسم است عطش صادق و کاذب که این بحثهایش قبلاً هم اشاره شد تشخیص عطش صادق

۱ - سوره انبیاء، آیه ۸۸

۲ - سوره فاطر، آیه ۴۳

۳ - سوره روم، آیه ۴۷

۴ - سوره روم، آیه ۴۷

۵ - سوره روم، آیه ۴۷

۶ - سوره روم، آیه ۴۷

۷ - سوره مجادله، آیه ۲۱

۸ - سوره روم، آیه ۴۷

۹ - سوره انبیاء، آیه ۸۸

و کاذب به عهده طبیب است این پزشک معالج می‌داند که این بیمار که آب می‌خواهد عطشش صادق است باید به او آب داد و آن بیماری که دستگاه گوارشش را عمل کرده‌اند تازه از اتاق عمل به تخت آسایشگاه آمده است گرچه عطشان است چند دقیقه‌ای یا چند لحظه‌ای نباید به او آب داد این عطشش عطش کاذب است الان دستگاه گوارش او آب را تحمل نمی‌کند انتظار این چنین است امید این چنین است بعضی‌ها منتظرند بعضی‌ها به خیال خود امیدوارند این انتظار اگر در مسیر صحیح باشد انتظار حق است اگر در مسیر باطل باشد انتظار باطل است فرمود خیلی‌ها منتظرند انبیا و اولیا هم منتظرند آنها منتظر هستند که روزی نظام اسلامی برچیده شود مثلاً پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رحلت بکند و بساط دینش برچیده شود ﴿يَتَرَبَّصُّ بَكُمْ الدَّوَّاءُ﴾<sup>۱</sup> است اما ﴿عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ﴾<sup>۲</sup> شما هم مسئله انتظار را دارید فرمود که انبیا هم منتظرند آنها هم منتظرند این انتظار آنها انتظار کاذب است مثل صبح کاذب و عطش کاذب انتظار ما انتظار صادق است مثل عطش صادق این صبح صادق را که می‌گویند صبح صادق برای اینکه که آغاز روز است به دنبال شمس است آن صبح را که می‌گویند کاذب است آن دنبال‌ه‌رو شب است خودش را به عنوان صبح نشان می‌دهد شب تو در حقیقت شب هستی دنبال‌ه‌رو ظلمت و تیرگی و تاریکی هستی تو کجایت صبح است؟ اگر يك دُمِ گرگی که كَذَبِ سرحان و مانند آن نشان داد این يك چیز دروغین است وقتی صبح بودنش کاذب است شب بودنش صادق است دیگر معنا ندارد که هم صبحش کاذب باشد هم شبش کاذب اگر عطش يك بیماری کاذب است آب نخواستنش صادق است اگر تمدنی کاذب بود خلافتش می‌شود صادق چون هم خودش کاذب باشد هم خلافتش کاذب باشد که نیست فرمود این انتظاری که اینها دارند

۱ - سورة توبه، آیه ۹۸

۲ - سورة توبه، آیه ۹۸

انتظار کاذب است دنباله يك شب است يك ظلمتی هست يك کفری هست يك الحادی هست يك بد اخلاقی هست بعد يك انتظاری این انتظار شما به دنبال آن ظلمت‌هایی که رفتید و تیرگی‌ای که پشت سر گذاشتید شما دنباله رو شب هستید خب یقیناً صبح کاذب می‌شود آنکه پیشاپیش روز است و پیام روز را می‌آورد بله صبح صادق است تربص انتظار هم در فرهنگ قرآن دو قسم است يك عده انتظار کاذب دارند ﴿يَتَرَبَّصُّ بَكُمْ الدَّوَّاءُ﴾<sup>۱</sup> پشت سر هم نقشه می‌کشند داخل و خارج که این نظام اسلامی را براندازند و وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود که اینها تمام تلاش و کوششان این است که شما از بین بروید که اوضاع برگردد آن جاهلیت برگردد ﴿يَتَرَبَّصُّ بَكُمْ الدَّوَّاءُ﴾<sup>۲</sup> یعنی اوضاع دوباره برگردد ﴿عَلَيْهِمُ الدَّائِرَةُ السُّوءُ﴾<sup>۳</sup> فرمود شما منتظر باشید ما هم منتظریم آن انتظار شما که به مقصد برسید انتظار کاذب است يك حادثه تلخی پیش می‌آید برای شما و شیرینی برای ما که وعید شماست و وعده ماست ما به انتظار آن روز می‌رسیم که بشود بشارت شما به انتظار آن روز به سر ببرید که بشود انذار این جریان تربص متقابل را قرآن کریم در چند جا نقل کرده است در آیه سی سوره مبارکه طور فرمود ﴿إِنَّمَا يَقُولُ شَاعِرٌ لِتَرَبَّصْ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ﴾<sup>۴</sup> منون یعنی مرگ ﴿الْمُنِيهِ انْشَبَتْ أَظْفَارُهَا﴾<sup>۵</sup> یعنی مرگ، منون یعنی مرگ اینها گفتند ما منتظریم که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد «معاذ الله» بساط دینش برچیده بشود حالا پسر هم که ندارد کار بیفتد به دست ما و .. ﴿تَرَبَّصْ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ﴾<sup>۶</sup> در بخشهای دیگر هم از همین این انتظار

۱ - سوره توبه، آیه ۹۸

۲ - سوره توبه، آیه ۹۸

۳ - سوره توبه، آیه ۹۸

۴ - سوره روم، آیه ۳۰

۵ - کنز الفوائد، ج ۱، ص ۶۴

۶ - سوره طور، آیه ۳۰

کاذب آنها سخن به میان آمده نظیر آنچه که در آیه ۹۸ سوره مبارکه توبه است ﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَخَذَ مَا يَنْفِقُ مَغْرَمًا﴾<sup>۱</sup> اینها اگر بخواهند کمکی به مراکز خیریه بکنند کمکی به مستمندان بکنند این را يك غرامت می دانند درحالی که این غنیمت است ﴿وَيَتَرَبَّصُّ بَكُم الدَّوَّائِرُ﴾<sup>۲</sup> اینها منتظرند که اوضاع دوباره برگردد این انتظار کاذبی است برای اینکه به دنبال آن ظلمت شبانه جاهلی است این انتظار انتظار کاذب است این انتظار کاذب يك انتظار صادقی را پشت سر دارد در درون دارد برای اینکه ممکن نیست هر دو طرف کاذب باشد ذات اقدس الاله به رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود این چنین نیست که حالا ما به اینها مهلت بدهیم نه ادله نقلی کافی باشد نه ادله عقلی کافی باشد نه اینها اهل سمع باشند نه اهل عقل باشند همین طوری این علف هرز را تا الی یوم القيامة ادامه بدهیم بعد در معاد حسابشان را برسیم این طور نیست ﴿فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ﴾ این انتظار تهدید است بعد فرمود يك حادثه ای پیش می آید این نظیر آتش فشانی يك جانبه نیست که بالأخره اهل يك روستایی آسیب ببینند که این يك جنگی است يك طرف فاتح اند يك طرف منهزم و شکست خورده اند ﴿قُلْ فَانْتَظِرُوا﴾ این تهدید است ﴿إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ این سکه دو روی وعد و وعید شما منتظر وعید باشید ما منتظر وعده الاهی این می شود انتظار صادق که ما بالأخره خدای سبحان فرمود ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۳</sup> و این اصل کلی است.

۱ - سوره توبه، آیه ۹۸

۲ - سوره توبه، آیه ۹۸

۳ - سوره روم، آیه ۴۷

سؤال: ... جواب: خب يك مقداری گاهی دیر می‌شود آنها استبطا کردند حضرت استدعا کرده همه می‌گویند ﴿مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup> اما تا گوینده چه کسی باشد جوینده چه کسی باشد برخی‌ها خیال می‌کنند که مثلاً دیر شده دیگر نمی‌دانند ﴿إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾<sup>۲</sup> وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که می‌گویند ﴿مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ﴾<sup>۳</sup> استدعاست طلب است آنها احیاناً استبطا است می‌گویند به بطی و کندی و درازی کشیده است طول کشیده است و قتش گذشته است در حالی که هیچ چیزی از قتش نمی‌گذرد این تنها مرگ انسان نیست که ﴿إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً عَنْهَا وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾<sup>۴</sup> اگر عالم بر اساس جریان ریاضی تنظیم شده است کما هو الحق هیچ چیزی هیچ رخدادی نه جلو دارد نه دنبال، اینکه احیاناً گفته می‌شود این مرگِ نا به هنگام است آن تصادف نا به هنگام است این برای علم ماست و گرنه موتا طبعیا قد اخترامی \*\*\* قیسَ الی کلیة النظامی

ما لیس موزونا ببعض من نغم \*\*\* ففی نظام الكل کل منتظم

ممکن است حالا بعضی از نغمه‌ها برای گوش ما گوش نواز نباشد ولی هر چیزی در جای خودش خوب است این‌طور نیست که ما مرگِ نا به هنگام داشته باشیم موت اخترامی داشته باشیم هر مرگی طبیعی است در جای خودش حالا چون ما نمی‌دانیم برابر توقع خودمان ارزیابی می‌کنیم بعضی حوادث را زودرس بعضی حوادث را دیر می‌بینیم.

۱ - سورة بقره، آیه ۲۱۴

۲ - سورة قمر، آیه ۴۹

۳ - سورة بقره، آیه ۲۱۴

۴ - سورة یونس، آیه ۴۹

ذات اقدس الاله فرمود این اصل کلی است يك بيان نورانی از حضرت امیر (سلام الله علیه) هست در نهج البلاغه می‌فرماید که ما در جبهه‌ها خودمان را نشان دادیم در امتحان فاتح و پیروز شدیم بعد ذات اقدس الاله کمکش را نصیب ما کرده این طور نبود که کمك همچنین نقد باشد فوری به هر کسی برسد که در خطبه ۵۶ به این صورت فرمود اصحاب رسول را وقتی که مؤمنان در قبال کافران صف آرایی کردند وجود مبارك حضرت امیر در آن خطبه ۵۶ نهج البلاغه می‌فرماید «و لقد كنا مع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) نقتل آباءنا و اخواننا و اعمامنا ما يزيدنا ذلك الا ايمانا و تسليما و مضيا على اللقم و صبرا على مضض الألم»<sup>۱</sup> تا به اینجا رسید فرمود از رزم‌آوران ما و جنگ‌آوران آنها مبارزه می‌کردند «يتصاولان تصاول الفحلين يتخالسان انفسهما ايهما يسقى صاحبه كأس المنون فمرة لنا من عدونا»<sup>۲</sup> گاهی ما پیروز می‌شدیم «و مرة لعدونا منا»<sup>۳</sup> آنها از ما کشته می‌گرفتند غنیمت می‌بردند آنها به حسب ظاهر پیروز می‌شدند ﴿فلما رأى الله صدقنا﴾<sup>۴</sup> وقتی معلوم شد ما راست می‌گوییم این می‌شود صبح صادق ﴿انزل بعدونا الكبت و انزل علينا النصر﴾<sup>۵</sup> او دشمن را شکست داد او ما را پیروز کرد همیشه همین طور است این ﴿و كان حقا علينا نصر المؤمنين﴾ يك اصل کی است «حتى استقر الاسلام ملقيا جرانه و متبوئا اوطانه»<sup>۶</sup> بعد به اصحابش رو کرد فرمود اگر ما هم در صدر اسلام مثل شما رفاه طلب می‌بودیم «و لعمرى لو كنا ناتي ما اتيتهم»<sup>۷</sup> آن طوری که شما رفتار می‌کردید ما رفتار می‌کردیم «ما قام للدين عمود و لا اخضر للايمان عود»<sup>۱</sup>

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۵۶

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۵۶

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۵۶

۴ - نهج البلاغه، خطبه ۵۶

۵ - نهج البلاغه، خطبه ۵۶

۶ - نهج البلاغه، خطبه ۵۶

۷ - نهج البلاغه، خطبه ۵۶

نه ستونی برای اسلام می ماند و نه درخت اسلام شاخه ای می داشت سبز بود ﴿وایم الله لتحطلبنها دما و لتبعنها  
ندماً﴾<sup>۲</sup> در بخشهای دیگر هم باز از این تعبیرات وجود مبارك حضرت امیر هست که نصر الاهی وقتی نازل  
می شود که انسان آن آزمونش را به سر ببرد بنابراین این که فرمود ﴿فهل ينتظرون الا مثل ایام الذین خلوا من  
قبلهم﴾ برای آنها می شود تهدید برای مومنان می شود وعده.

«والحمد لله رب العالمین»

---

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۵۶

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۵۶